

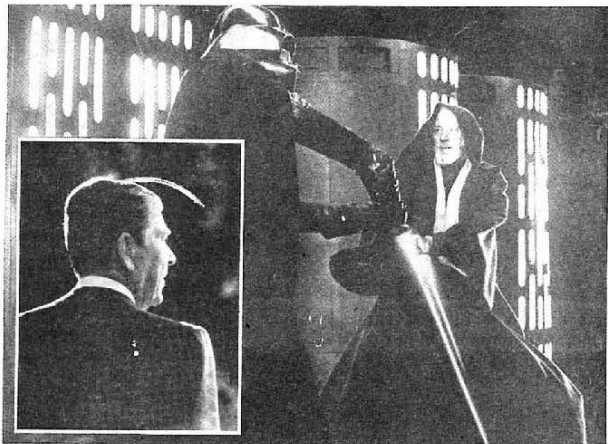


## جنگ ستارگان به روایت ریگان

هشت سال پیش که جنگ ستارگان جرج لوکاس روی پرده آمد و به مقام پرطرفدارترین فیلم تاریخ سینما دست یافت، کسی تصور نمی‌کرد که این افسانه و صحنهٔ دوئل آن با اشمه لیزر، به شکل‌گیری یک طرح شیطانی شاید اگر یک هفتپه آمریکایی پرهیاهو، که بوزی میان واقعیت و خیال نمی‌شناسد، برای دومین بار در کاخ سفید بر مسند ریاست جمهوری تکیه نمی‌زد، این رویای قضایی وسوسه‌انگیز در دسترس جنگهای ستارگان (او به‌ظنمرو هشدار شتابی بروز نمی‌کرد، اما سلسلهٔ سینمایی ریگان به‌کار افتاد و جنگ ستارگان (با به توجه) دهنده‌ترین نت‌های خیری رسانه‌های گروهی دنیا راه پیدا کرد. در فیلم لوکاس، دارت وادر «نانگار» طی یک نبرد تن به تن با اشمه لیزر، بن اوبی‌وان کنوی «شریف» را از پای درمی‌آورد و در ساریوی ریگان، «فریه» ایزوی نمی‌یابد. آینده‌نگرهای بدبین می‌گویند که در سابعهٔ تشخیص‌آمیز تسلیحاتی میان قدرتهای

ریگان و هفکزان او در صنایع نظامی آمریکا، در بهار سال ۱۹۸۳ طرح جنگ ستارگان را ملتی کردند و رئیس‌جمهور آمریکا با افتخار تمام به مردم کنش‌پوش زده داد: «آمریکاییهای عزیز! ما هم اکنون برای پیشبرد هدفی تلاش می‌کنیم که حرایان تاریخ بشریت را تغییر خواهد داد.» اساس این هدف، استقرار ماهواره‌های مجیز به لیزر در فضای خارج از جو به‌منظور نابود کردن موشکهای دشمن است. این ماهواره‌ها، برای از بین بردن تاسسات زمینی نیز توانایی لازم را خواهند داشت. «اساساً آرزوی استفادهٔ نظامی از کپکشان‌ها و فضای خارج از جو، چیز تازه‌ای نیست، ادبیات و فیلمهای تحلیلی، الهام‌بخش بسیاری از این اندیشه‌های ویرانگرانه بوده‌اند — برای نمونه، در دههٔ ۱۹۴۰، سریالهای نظیر «فلاش گوردون» امکان بکارگیری ماه و مریخ و کرات دیگر را برای حمله به دشمنان زمینی مطرح ساختند. اما این نخستین بار است که دنیای خوالیگوتنهٔ بردهٔ تقوای سینما، رنگ واقعیت به‌خود می‌گیرد. سلما» با جدی‌تر شدن خطر طرح جنگ ستارگان، روسها نیز بکار نمی‌نشینند و قدرت فزینتی تکنولوژی نظامی خود را تا سطح هولناک‌تری افزایش خواهند داد. گورکی آراتوف، یکی از سختگویان رهبری شوروی به آمریکا اخطار داده است که: «اگر نخواهید جنگ ستارگان خود را عملی کنید، ما ناچار خواهیم بود جنگ‌افزارهای هسته‌ای پیشرفته‌تری تولید کنیم و تعداد آنها را آنقدر بالا ببریم که یک دفاعی شما را سوراخ کند.»

در جنگ ستارگان لوکاس، ماجرا به‌خبر و خوشی پایان می‌یابد. و با نابودی بدجنسها، صلح و صفا برقرار می‌شود. اما در جنگ ستارگان ریگان، ظاهر، درگیری به این سانگی فیصله نمی‌یابد. آینده‌نگرهای بدبین می‌گویند که در سابعهٔ تشخیص‌آمیز تسلیحاتی میان قدرتهای



ریگان در رویای جنگ ستارگان

بزرگ، توان تخریبی آنها با بهای هم توسعه می‌یابد و به‌هنگام مقابلهٔ نهایی، هر یک از آنها خواهد کوشید که طرف دیگر — و نامی بشریت — را با خود به ورطهٔ مرگ بکشاند. گویی توان هسته‌ای فرانسه حمایت گلبسته‌ها را به‌دست آورده است و شارل هرنو، وزیر دفاع فرانسه، با تأیید دیدگاههای ایوونوتان، گفته است که سیخ هسته‌ای فرانسه می‌تواند شفته را از فکر ماجراجویی هسته‌ای با غیر هسته‌ای منصرف کند. استدلال مونتان و هرنو از نظر قدیمی ترساندن حریف فرعی می‌گیرد که در تسلیحاتی را مجاز می‌شمارد و در سال ۱۹۵۵ به این شکل از زبان جرجیل جاری شد:

## روسها را بترسانید!

ایوونوتان، بازیگر سرشناس فرانسوی، یکی از هواداران پرشور جنگ ستارگان است و اعتقاد دارد که طرح ریگان نهنننننن به‌افزایش تشنج با اتحاد شوروی نمی‌انجامد، بلکه با ترساندن روسها آنها را سرچای خود می‌شاند. آخرین اظهارنظر او در این زمینه، یک برنامهٔ تلویزیونی پورخ‌بنام «منظرهٔ جنگ» است که خطر یک یورش عظیم اتحاد شوروی با جنگ‌افزارهای معمولی و شیمیایی به اروپا را نشان می‌دهد. نمایش این برنامه، ۱۵۵ دقیقه‌ای، که در آن مونتان به‌شدت از طرح جنگ ستارگان آمریکا دفاع می‌کند، خشم سکو و حزب کمونیست فرانسه را برانگیخت و در همان حال به‌مدلیل هژمانی با یک شو مردم‌سند، با کم‌توجهی تماشاگران روبرو شد. براساس یک آمارگیری تنها سه میلیون نفر «منظرهٔ جنگ» را دیدند و اکثراً «ترسیم دادند یک شو آمریکایی با شرکت کلودیبا کاردناله را نگاه کنند. این رقم، نصف تعداد تماشاگرانی بود که یکسال پیش برای دیدن بحث ایوونوتان دربارهٔ برنامهٔ اقتصادی دین، پای تلویزیونهای خود نشسته‌اند.

ایوونوتان، با چهرهٔ جدی، خذاب و پدیدارهای خود، در دل بسیاری از فرانسویان جا کرده است و طرفدارانش مایلند که او در انتخابات آینده، ریاست جمهوری شرکت کند. ظاهراً قصد مونتان از ساختن «منظرهٔ جنگ» این بوده که در مورد توانایی هسته‌ای فرانسه برای عقب‌راندن هجوم روسها، مردم این کشور را از خوشبختی بیرون بیاورد و به آنها هشدار دهد. پیام اصلی فیلم بر ضرورت تقویت بنیهٔ دفاعی فرانسه تکیه می‌کند و به‌نحو بخت‌انگیز و جسورانه‌ای اصرار می‌ورزد که فرانسه برای بازداشتن روسها از کاربرد گاز اعصاب در یک جنگ احتمالی، دست به تولید جنگ‌افزارهای شیمیایی بزند. «منظرهٔ جنگ» انبوهی از تانکهای شوروی را نشان می‌دهد که درحال پیشروی در خاک آلمان فرعی هستند و در همان حال رهبران اروپا و آمریکا از ترس مقابله به‌مثل روسها، از بکارگیری سلاحهای هسته‌ای خودداری می‌کنند. گروههای ضد تسلیحات هسته‌ای فرانسه، حامداری فیلم از روحیهٔ نظامیگری را محکوم کرده‌اند. سفارت شوروی با انتشار بیانه‌ای از عدم سانسور برنامهٔ ایوونوتان توسط حکومت ابراز تعجب و تأسف کرده و آن را یک «اتهام کثیف» دانسته است. و سرانجام، روزنامهٔ اومانیته، ارگان حزب کمونیست فرانسه، در یک مقالهٔ آتشین «منظرهٔ جنگ» را به‌منوای یکی دیگر از اقدامات تبلیغاتی «جنگ‌طلبانه» و

«زشت» کاخ الیزه مورد حمله قرار داد. با این‌همه، ایوونوتان در چارچوبی برای موضوع فکری‌اش مضمون منظر می‌رسد. او در دو سال گذشته، برای پیاده کردن آرمانهایش در مورد افزایش توان هسته‌ای فرانسه حمایت گلبسته‌ها را به‌دست آورده است و شارل هرنو، وزیر دفاع فرانسه، با تأیید دیدگاههای ایوونوتان، گفته است که سیخ هسته‌ای فرانسه می‌تواند شفته را از فکر ماجراجویی هسته‌ای با غیر هسته‌ای منصرف کند. استدلال مونتان و هرنو از نظر قدیمی ترساندن حریف فرعی می‌گیرد که در تسلیحاتی را مجاز می‌شمارد و در سال ۱۹۵۵ به این شکل از زبان جرجیل جاری شد:

## تقوّد سینمای مصر

از سال ۱۹۲۷ که نخستین فیلم عربی در مصر جلوی دوربین رفت، قاهره به‌صورت هلالورد دنیای عرب درآمد و بسیاری از سینماها در این منطقه هنوز هم پشه‌های خود را در میان ستارگان مصری جستجو می‌کنند. سامه جمال، عبدالوهاب، ام‌کلثوم، فرید الاطرش،... سالها با فیلمهای پررغص و آواز، کمدیهای سبک و سلسله‌های اشت‌انگیز تماشاگران ساده‌دل را به‌بند کشیدند و حالا هم که دیگر نشانی از آنها نیست، سینمای مصر همچنان جذابیت خود را برای تماشاگران عرب زبان حفظ کرده است. سلما عقب مانگی صنعت سینمای حرفه‌ای و تجاری سایر کشورهای عربی، به‌اضافهٔ قابل فهم بودن عربی مصری برای تمام ساکنان جهان عرب، زمینهٔ اصلی نفوذ و محبوبیت سینمای مصر را تشکیل می‌دهد. در متن این واقعیت است که ترویج سیاسی مصر به انزوای فرهنگی آن نینجامد و مشاجره‌اش با کشورهای عرب مخالف اسرائیل، برای سر پیمان صلح کمب دبیوید در پنج سال پیش، تأثیری بر کسب و کار چند میلیون دلاری صادرات فیلم نگذاشت، مصر، مانند گذشته، مقام بزرگترین و رونق‌دهنده‌ترین عرضه‌کنندهٔ فیلمهای سینمایی و برنامهای تلویزیونی را در میان اعراب در دست دارد و جالب است که در لیبی و سوریه — دو دشمن قسم خوردهٔ دستگاه رهبری این کشور — فیلمهای مصری مشتریان دائمی و هواداران پرپواقرصی دارند. اکثر فیلمهای مصری در چهار شرکت دولتی، که مجموعاً ۹ استودیوی مجیز فیلمسازی در اختیار دارند، ساخته می‌شوند. یک فیلم متوسط که دویست هزار دلار خرج پرورش دارد، به‌راحتی می‌تواند روی ۱۶۰ هزار دلار سود خالص حساب کند: ۸۰ هزار دلار بابت ماهی در سینماهای کشورهای عربی و ۸۰ هزار دلار بابت ضبط بر روی نوار ویدئو (در مرسیست سینمای عمومی وجود ندارد و ویدئو کاست یگانه وسیله توزیع می‌تواند فیلم است). سامه صادی، مدیر تلویزیون دولتی مصر، می‌گوید که تمام کشورهای عربی برنامهای تلویزیونی مصر را می‌خرند. تلویزیون این کشور هر سال حدود ۲۰ سرپال خوداوندی و مقدار زیادی فیلم علمی، فرهنگی، مذهبی و برنامه‌های معمولی کودکان

تولید می‌کند. به اعتقاد خانم صادی، «جامع عرب تاحد بسیار زیادی مانند هم هستند و ساختن و خلق و خوبی مشابهی دارند. این یکی از دلایل صم استقبال از فیلمهای مصری در بازارهای عربی است و فروش برنامهای تلویزیونی و رادیویی همسالیها دلزار تألیف می‌کند. برای نمونه، الجزایر در سال ۱۹۸۳ به‌تنهایی ۱۰ میلیون دلار فیلم از تلویزیون مصر خریداری کرد.» سینماگران حرفه‌ای مصر، فیلمهای صادراتی خود را اساساً برای تفریح و وقت‌گذرانی می‌سازند و از بکارگیری مایه‌ها و مضامین سیاسی بخت‌انگیز خودداری می‌کنند. شاید یکی از علتهای ورود سهل و سادهٔ این‌گونه فیلمها به داخل کشورهای دوست و دشمن، همین حساسگری تاجرمانهٔ آنها باشد.

## از زاین خیر می‌رسد که...

سینمای این کشور در باطنی ابتدال و بیپایگی دست و پا می‌زند. آقای هوشنگ راستی، در نامه‌ای از توکیو، می‌نویسد: «در



گوروساوا: تنها سه فیلم در شرف ده سال

سال ۱۹۸۳ حدود پانصد فیلم زاینی ساخته شد که هفتاد درصد آنها فیلمهای پورنوگرافی بودند و اکثراً به نمایش صحنه‌های تجاوز و خشونت‌های جنسی می‌پرداختند. سی درصد بقیه هم ترقی زیادی با فیلم‌ها نداشتند و زیر بودند از سوه‌های عجیب و غریب و مسخره و رادیویی همسالیها دلزار تألیف می‌کند. برای نمونه، الجزایر در سال ۱۹۸۳ به‌تنهایی ۱۰ میلیون دلار فیلم از تلویزیون مصر خریداری کرد.» سینماگران حرفه‌ای مصر، فیلمهای صادراتی خود را اساساً برای تفریح و وقت‌گذرانی می‌سازند و از بکارگیری مایه‌ها و مضامین سیاسی بخت‌انگیز خودداری می‌کنند. شاید یکی از علتهای ورود سهل و سادهٔ این‌گونه فیلمها به داخل کشورهای دوست و دشمن، همین حساسگری تاجرمانهٔ آنها باشد.

حارجها شده‌اند، زیرا هیچ تنبه‌کنندهٔ زاینی حاضر نیست با سرمایه‌گذاری برای کارهای آنها، ریسک کند. در طول ده سال، سینماگران برجسته‌ای مانند گوروساوا فقط توانسته است ۳ فیلم بسازد، آن هم با سرمایهٔ خارجیه: دسواولا (شوروی)، کاگه موشا (با سرمایهٔ توکیو قرن بیستم و فرانسسین فورد کابولا) و فیلم آخرش آشوب که سوزسلیمان، تنبه‌کنندهٔ فرانسوی، به‌کمکتش رسید. ناگساشیما، فیلم قبلی‌اش عیدت مبارک آقای لوزن را با سرمایهٔ انگلیسیها و نیوزلندیها ساخت و فیلم جدیدش، هرد بیفتر را فرانسویها سرمایه‌گذاری کرده‌اند. ایماورا شوهه، بعد از موفقیت آخرین فیلمش، حماسهٔ کوهستان ناراباما در جشنوارهٔ کان ۸۳، هنوز نتوانسته فیلم تازه‌ای بسازد. چرا که برای ساختن فیلم خوب در زاین، باید تا از چهارچوب معمولی و سرمایه‌ای از پیش تعیین شده بیرون گذاشت و هیچ تنبه‌کنندهٔ تاجرصفت زاینی حاضر نیست پولش را بحاطر هسر هدر دهد. یکی از تنبه‌کنندگان معروف زاینی اخیراً گفته است: «من چیزی در مورد سینما نمی‌دانم، اما هر فیلمی که برای من پول بیاورد، حتماً فیلم خوبی است!»

چند گلمه هم دربارهٔ جشنوارهٔ توکیو بگیریم. از ۳۱ تا ۹ ژوئن (دهم تا نوزدهم خرداد) اولین جشنوارهٔ جهانی فیلم توکیو برگزار خواهد شد که از همین حالا داد و قال خیلیها درآمده است که این جشنواره نهننننن خلیه بلکه خیلی هم زاینیست و این موضوع بی‌تردید از ارزش بین‌المللی جشنواره می‌کاهد. اعتراضها بیشتر به‌خاطر عدم نمایش فیلم میثیسا و سانسور فیلمهایست که قرار است نشان داده شوند. طبق مقررات و عرف جشنواره‌های جهانی، نباید از نمایش هیچ فیلم خوبی به‌دلایل سیاسی و نظایر آن جلوگیری شود و سانسور فیلمها مجاز نیست. میثیسا، ساختهٔ پلشاردر (سناریست فیلم راننده‌ناکسی) دربارهٔ زندگی چهرهٔ معروف ادبی و سیاسی زاین، یوکیدو میثیسا است که در سال ۱۹۲۲ مطرحهٔ هاراکیوزی خودکشی کرد. گردانندگان جشنوارهٔ توکیو، به‌علت ترس از عکس‌العمل گروههای دست راستی افراطی، از نمایش این فیلم خودداری کرده‌اند.